

بهره‌گیری از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی به منظور تبیین نقش فلسفه اسلامی در شکل‌گیری معماری متعالی شهری

علی‌رضا صادقی* - استادیار بخش شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
سینا جنگجو - دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Using AHP in order to Explanation the Role of Islamic Philosophy in Formation of Exalted Architecture in Urban Environment Abstract

Today, cultural alienation and the influx of one-dimensional and purely human-centered materialistic ideology of the West have challenged Muslim communities' beliefs, values and religious and spiritual thinking. Indeed propaganda, invasion and the spread of ideas of wealth accumulation, materialism, promiscuity, etc., are undermining the foundations of culture, faith and religious in these communities and in the long run, will cause the loss of cultural and social, religious and political identity. In these times and situations one is reminded again of what Martin Heidegger, the German intellectual, once said: Now only divinity can save us. Therefore, to fight back against the massive invasion targeted at the cultural foundations of the of pure Islamic spiritual beliefs, the use of rational thinking and reasoning to respond to and promote Islamic and divine beliefs, thoughts, wisdom and values seem imperative. This issue is within the domain of Islamic philosophy and since it guides the man towards the source of all life through wisdom and rational thinking and strives to eradicate doubt and uncertainty about the sacredness of religion, it is deemed a divine philosophy. But the divine-Islamic ideology and philosophy should not be provided only in limited fields and trends and through complicated means of presentation. The use of various methods, tools and techniques compatible with the spirit and human nature, on the basis of rational reasoning can advance the field of noble goals of Islamic philosophy, which is to create a unity between revelation and reason. It seems that art and architecture, as one of its branches, has always had a prominent place in promoting the spiritual and Islamic beliefs, on the basis of reasoning and in a manner consistent with human nature. Sacred and exalted art is the result of revelation of artist who tries to show modality of universe ultra with using symbolic expression and main resource of Islamic philosophy (manifested of God). It is clear that, sacred architecture is the best effect of sacred art that releases human spirits from mortal world and guides them to eternal world. It should be mention that, non- identity of current human is caused by the lack of understanding and esoteric intuition and creating mortal works that dispossess human from reaching God. Therefore, this research believes that revitalization of sacred principles and use of Islamic philosophy resource cause restoration of human identity. So, this manuscript used analytic- descriptive method and comparative method and reviewing literature and resource technique, reviewing visual documentation technique, interview technique and the analytic hierarchy process (AHP) technique to explain ideas, rules and principles that form and determine impacts of Islamic philosophy in Formation of Exalted Art and Architecture in Urban Environment. Also in this research, to explain the relation between Islamic philosophy spirit and spirit of sacred art and architecture, transcendental ideas of Mosque designing such as Goharshd Mosque and Jame Mosque of Isfahan have been reviewed. Results of this research indicate that climbing; balance; centralist; respect to environment; unity; simplicity; rhythm and repetition; sense of discovery; order; variety (colors, forms, functions, patterns and characters); and innovation are principles that provide the best field for symbolic expression of sacred elements in the physical forms.

Keywords: Islamic philosophy, Exalted Architecture, AHP, Goharshd Mosque, Jame Mosque of Isfahan

چکیده

از فلسفه اسلامی به عنوان تلاشی عقلانی و استدلالی، جهت تبیین رابطه خداوند سبحان با عالم وجود و کشف خطوط کلی و امور جهان‌شناسانه عالم، نام برده شده‌است. این فلسفه الهی، در حوزه‌های گوناگون، تلاش دارد تا با بیانی عقلانی، در رفع شبهات از حریم دین کوشا باشد و انسان‌های غربت‌زده امروزی را به قرب الهی رهنمون ساخته و موجبات سعادت و رستگاری ایشان را فراهم آورد. در این زمینه به نظر می‌رسد هنر معماری متعالی، به عنوان دانشی عقلانی، منطبق با روح و فطرت انسانی و سودجسته از اندیشه‌ای الهی، می‌تواند وسیله‌ای باشد که فلسفه‌ی اسلامی را در راه تبیین رابطه‌ی خداوند سبحان و انسان غربت‌زده امروزی یاری کند. از اینرو مقاله حاضر بر آن است تا با استفاده از روش‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی و تطبیقی و شیوه‌های تحقیق مرور متون، منابع و اسناد تصویری و مصاحبه و بهره‌گیری از تکنیک فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، به تبیین رابطه میان فلسفه‌ی اسلامی و هنر معماری بپردازد و قانونمندی‌ها و اندیشه‌ی متعالی موجود در ورای این قانونمندی‌ها در هنر و معماری متعالی را تبیین نماید. به این منظور مسجد گوهرشاد مشهد و مسجد جامع اصفهان، که از دیرباز برترین بستر تجلی اندیشه‌های والای قدسی در قالب صور فیزیکی بوده‌اند، تحلیل شده‌است. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که به ترتیب حرکت از فرش به عرش؛ عدالت؛ تاکید بر مرکزیت؛ احترام به محیط طبیعی؛ وحدت؛ سادگی فضایی و دوری از الحاقات زائد؛ ضرابه‌نگ و تکرار؛ حس اکتشاف؛ نظم؛ تنوع (تنوع فرم‌ها، تنوع گونه‌ها، تنوع رنگ‌ها، تنوع عملکردها)؛ و ابداع و نوآوری از جمله قانونمندی‌هایی هستند که زمینه را برای بیانی نمادین و استعاری از تجلی ساحتی مقدس در تار و پود صوری کالبدی فراهم می‌آورند.

واژگان کلیدی: فلسفه اسلامی، معماری متعالی، فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، مسجد گوهر شاد، مسجد جامع اصفهان

امروزه از خود بیگانگی فرهنگی و هجوم اندیشه‌های تک‌ساحتی مادی‌گرا و صرفاً انسان‌محور غربی، اعتقادات، باورها، ارزش‌ها و تفکرات معنوی و دینی جوامع مسلمان را به چالش کشیده است. به واقع تبلیغ، هجوم و رواج تفکراتی مبنی بر ثروت اندوزی، دنیا دوستی، بی‌بند و باری و غیره، تخریب پایه‌های فرهنگی، اعتقادی و دینی را در این جوامع به دنبال داشته و در درازمدت، موجبات بی‌هویتی فرهنگی و لجام گسیختگی اجتماعی، اعتقادی و سیاسی را در آنها فراهم خواهد کرد. آنچه در این میان بار دیگر و بی‌اختیار به ذهن آدمیان متبادر می‌گردد، این جمله‌ی مارتین هایدگر، دگراندیش معنوی آلمانی، است که بر این باور است: اکنون تنها هنوز خدایی است که می‌تواند ما را رهایی بخشد. از اینرو به منظور مقابله با این تهاجم گسترده فرهنگی که پایه‌های معنوی و اعتقادات ناب اسلامی را نشانه رفته‌اند، استفاده از اندیشه، استدلال و عقل‌نظری در جهت پاسخگویی به شبهات و ترویج اعتقادات، تفکرات، حکمت و ارزش‌های اسلامی و الهی ضروری به نظر می‌رسد. امری که در حوزه فلسفه اسلامی قرار می‌گیرد و از آن جهت که با هدایت عقل و استدلال‌های منطقی - عقلی، انسان‌ها را به سرچشمه حیات راهنمایی نزدیک می‌کند و در رفع شبهات از حریم دین مؤثر است، فلسفه‌ای الهی خواهد بود.

اما این اندیشه و فلسفه‌ورزی الهی - اسلامی، نباید تنها در زمینه‌ها و گرایش‌هایی محدود و با یک روش بیان خاص و گاه‌ا‌ثقیل ارائه گردد. استفاده از روش‌ها، ابزارها و فنون مختلف و سازگار با روح و فطرت انسانی، بر پایه‌ای استدلالی و عقلی، می‌تواند زمینه پیشبرد اهداف متعالی فلسفه اسلامی را، که همانا ایجاد وفاق میان وحی و عقل است، فراهم سازد. در این بین به نظر می‌رسد، هنر و به تبع آن معماری، همواره جایگاهی والا در ترویج و گسترش تفکرات معنوی و اسلامی، بر پایه‌ای استدلالی و به شیوه‌ای سازگار با فطرت انسانی، داشته‌اند. چراکه هنر، همواره با گریز از گفتمانی سطحی، ترسیم‌گر جمال و زیبایی بوده‌است و معماری، به عنوان ملموس‌ترین بخش از این پدیده‌ی والا، از دیرباز بستر تبلور اندیشه‌ی متعالی انسان، تجلی‌گاه احساسات ناب و خواستگاه کمال‌طلبی بشر بوده است. در واقع هنر معماری، خلق فضایی است

پویا، ملموس و قابل درک، که با بیان نغز و ظریف هنرمندی وارسته، به منصفی ظهور رسیده و از این رهگذر همواره معرف اندیشه‌های متعالی برای آدمیان بوده است. اما هر نوع هنر و هر فرم معماری، توان، ظرفیت، استعداد و زمینه لازم برای بیان حکمت و اندیشه الهی - اسلامی و راهنمایی بشر به سرچشمه متعالی حیات را نخواهد داشت. به اعتقاد نگارندگان این نوشتار، در واقع آن نوع هنر و معماری که از روح فلسفه‌ی اسلامی، که همانا تجلی خداوند سبحان در تمامی ممکنات وجود است، به اندازگی لازم و کافی بهره برده‌باشد، می‌تواند به مثابه‌ی تجلی‌ای برجسته از حکمت متعالی الهی و آیینی تمام عیار جلوه‌های جمال و جلال ذات اقدس خداوندگار مطرح گردد و معرفت ذات حق تعالی را برای بشر غربت‌زده امروز ممکن سازد. به واقع اینگونه هنر و معماری که از آن به عنوان هنر و معماری متعالی و قدسی یاد شده‌است، می‌تواند به عنوان یک اندیشه متعالی و مقدس، به تبیین رابطه‌ی خداوند سبحان و عالم ماده در قالب صور و نمادهای بصری و کالبدی پردازد و این رابطه ازلی و ابدی را با بیانی نمادین و استعاری و در عین حال قابل ادراک، بیان نماید. چراکه هنر قدسی نتیجه مکاشفه هنرمندی خداجو است که می‌کوشد تا با بیانی استعلایی و نمادین و با بهره‌گیری از روح فلسفه اسلامی، که همانا تجلی وجود لایزال خداوندگار در تمامی ممکنات وجود می‌باشد، ماهیت عالم ماورا را در ساحتی مقدس متصور سازد و از این رهگذر زمینه ساز عروج آدمی از بستر خاک را فراهم آورد. پر واضح است که معماری متعالی و قدسی برترین جلوه هنر قدسی است که روح آدمی را از عالم فانی رها ساخته و در مسیر استکمالیش به سوی دیار باقی رهنمون می‌سازد. به واقع در نگاه نگارندگان این نوشتار، هنر معماری متعالی و قدسی، ضرباهنگی است متناسب و پدیده‌ای است انسانی، که با ترجمانی پویا و معنوی، بستر تجلی، عظمت، زیبایی و جمال خداوندگار را فراهم می‌آورد. این پدیده امانتی است الهی که به واسطه‌ی وسعت کشف و ادراک هنرمندی متقی، خداجوی، خلاق و آگاه در قالب صور و ساختارهای فیزیکی بدیع و خلاق متجلی می‌گردد. در این بین مسجد، مهم‌ترین ساختار کالبدی است که از این وجود و جریان ماورایی و مقدس بهره برده و نمودی برجسته و آشکار از هنر معماری در ساحتی متبرک و متعالی می‌باشد که از دیرباز، همزمان

تعریف فلسفه بسیار مشکل و مناقشه‌آمیز است و در تعریف آن میان فیلسوفان برجسته، اختلاف نظر وجود دارد. اما فلسفه ورزی از ویژگی‌های ممتاز بشر است؛ زیرا به تعبیر ارسطو، همه آدمیان به‌طور طبیعی خواهان دانستنند و نشانه این امر، دلبستگی انسان به حواس و ادراک حسی است. آدمیان برای زندگی، علاوه بر ادراک حسی و اتکا به نموده‌ها و حافظه، از صنعت، استدلال و تعقل نیز سود می‌جویند. تجربه، شناخت افراد و مصادیق است؛ شناختی که متضمن شناخت علت نیست؛ اما صنعت، شناخت کلیات و متضمن شناخت علت است (ارسطو، ۱۳۷۸، صص ۱۹-۲۲). در همین زمینه از فلسفه مضاف به عنوان دانش‌های فرانگرانه‌ای که درباره معارف و واقعیت‌های درجه اول مطالعه و بحث می‌کنند یاد شده است. فلسفه مضاف، مشترک لفظی میان فلسفه علوم و فلسفه حقایق است. فلسفه علوم، دانش فرانگرانه وصفی - تحلیلی رشته علمی است؛ مانند فلسفه معرفت دینی، فلسفه علوم تجربی، فلسفه علوم اجتماعی و... و فلسفه‌ی حقایق، دانش درونگرانه وصفی - عقلانی پدیده‌های حقیقی و اعتباری است؛ مانند فلسفه دین، فلسفه نفس، فلسفه سیاسی. در واقع فلسفه‌های مضاف با دو وضعیت ظاهر شده‌اند: فلسفه در وضعیت نخست، به پدیده‌ها و حقایق ذهنی و خارجی، حقیقی و اعتباری، و در وضعیت دوم، به دانش‌ها و علوم نظام‌مند اضافه می‌شود. فلسفه مضاف به پدیده‌ها و حقایق، از سنخ دانش درجه اول است که با نگرش فیلسوفانه به تحلیل عقلی موضوع معین یعنی واقعیت خارجی یا ذهنی می‌پردازد؛ مانند فلسفه حیات، فلسفه زبان، فلسفه ذهن، فلسفه نفس، فلسفه معرفت، فلسفه دین، و فلسفه نبوت. فلسفه مضاف به دانش‌ها، از سنخ معرفت درجه دوم است یعنی دانشی سیستمی و نظام‌مند که به توصیف تاریخی و تحلیل عقلانی و فرانگرانه دانش مضاف الیه می‌پردازد. به عبارت دیگر، فلسفه‌های مضاف به علوم با نگاه بیرونی به دانش‌های نظام‌مند و رشته‌های علمی پرداخته و احکام و عوارض آن‌ها را بیان می‌کنند و درباره صدق و کذب گزاره‌های دانش مضاف الیه هیچ‌گونه داوری نخواهد داشت. (خسروپناه، ۱۳۸۵، صص ۱۸۱-۱۸۳). در جدول شماره ۱ برخی نحله‌ها و روش‌های مختلف فعالیت

بستر ساز رویدادهای تاریخی، اجتماعی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده است.

از اینرو این نوشتار بر آن است تا با تبیین رابطه میان فلسفه‌ی اسلامی و هنر معماری، به بازشناخت قانونمندی‌ها و اندیشه‌ی متعالی موجود در ورای این قانونمندی‌ها، در معماری متعالی و قدسی بپردازد. قانونمندی‌هایی که به بهترین شکل در ساحت فضای مساجد این مرز و بوم متجلی شده‌اند و در گذشته‌ای نه چندان دور، زمینه‌ساز بیان اندیشه‌ی متعالی معمار مسلمان و تبیین رابطه‌ی معنوی حق تعالی و انسان بوده است.

روش تحقیق

به منظور تبیین نقش فلسفه اسلامی در شکل‌گیری هنر و معماری متعالی شهری، پژوهش حاضر از روش‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی و از شیوه‌های تحقیق مرور متون، منابع و اسناد تصویری به زمینه تکمیل مبانی نظری؛ و از روش تحقیق تطبیقی و شیوه‌های مصاحبه با خبرگان و فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) به منظور رتبه‌بندی قانونمندی‌ها و تحلیل نمونه‌های موردی بهره گرفته است. ذکر این نکته لازم است که جامعه آماری این پژوهش در بخش مصاحبه و تکمیل فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، متخصصان معماری و شهرسازی دانشگاه‌های کشور بوده‌اند که از بین آنان ۳۵ نفر با تخصص‌های معماری و طراحی شهری به عنوان گروه نمونه از جامعه آماری انتخاب شده‌اند. همچنین مسجد گوهر شاد و مسجد جامع اصفهان به عنوان دو شاهکار و گنجینه هنر معماری متعالی این مرز و بوم، که ساخت آن صرفاً متعلق به یک دوره‌ی خاص تاریخی نبوده و در طول دوره‌های مختلف تاریخی شکل گرفته و تکمیل شده است، به عنوان نمونه‌های موردی، انتخاب، بررسی و تحلیل تطبیقی شده‌اند تا از این رهگذر زمینه به کارگیری هنر معماری متعالی و قدسی در ترویج گفتمان استدلالی دینی در دوره‌ی کنونی فراهم آید. اما به منظور تبیین رابطه فلسفه‌ی اسلامی و هنر معماری، لازم است ابتدا مفاهیمی چون فلسفه، فلسفه اسلامی، تجلی خداوند سبحان در تمامی ممکنات وجود به عنوان روح فلسفه‌ی اسلامی، روح فلسفه‌ی اسلامی در هنر و هنر و معماری قدسی مورد تدقیق و تحلیل قرار گیرد.

جدول ۱. نحله‌ها و روش‌های فلسفی، ماخذ: نگارندگان با استفاده از مبانی نظری تحقیق

نحله‌های فلسفی		روش در فعالیت عقلانی
فیلسوف غربی	هگل	دیالکتیک
	افلاطون	دیالکتیک
	برگسون	شهود
	ویتگنشتاین	کشف بی‌معنایی
	شلیک	وضوح و روشنی
	هوسرل	وصف پدیدارشناسانه
	هیوم	تجربی
	اسپینوزا	هندسی
	ابن سینا	استدلالی و برهانی
	سهروردی	هم استدلالی و هم شهودی و پالایش نفس
مسلمان	ملاصدرا	هم‌هنگی میان یافته‌های عرفانی، عقاید دینی، استدلال‌های عقلی و شهودی
	نتیجه	نحله‌های فلسفی متفاوت هستند و روش آن‌ها در فعالیت عقلانی بسیار متنوع است.

نوع معرفت‌شناسی آن، آنرا به دو گونه فلسفه الهی و فلسفه الحادی تقسیم کرده‌اند. یعنی اگر فلسفه با هدایت عقل و استدلال‌های منطقی-عقلی، انسان‌ها را به سرچشمه حیات، راهنمایی و به باورهای دینی نزدیک کند و در رفع شبهات از حریم دین مؤثر باشد، به فلسفه‌ای الهی تبدیل می‌شود و هویت و ماهیت آن با فلسفه الحادی تمایز می‌یابد (خسروپناه، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳). در واقع معرفت‌شناسی فلسفه الهی هم تجربیدی و هم تجربی است؛ اما وقتی فلسفه از آن صبغه الهی بی‌بهره شد و بر اساس «لن نؤمن لك حتی نرى الله جهرة» (بقره (۲)، ۵۵) معرفت‌شناسی اش فقط تجربی شد، محصول آن فلسفه الحادی است که رهاورد و بازده آن نیز متفاوت با رهاوردها و بازده فلسفه الهی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، صص ۹-۱۰). از اینرو در ادامه به معرفی و بازشناخت مفاهیم مرتبط با فلسفه اسلامی، به عنوان فلسفه‌ای الهی، پرداخته خواهد شد.

فلسفه اسلامی و مساله تجلی خداوند در تمامی ممکنات وجود فلسفه اسلامی، به چگونگی آمیختگی فلسفه با اسلام و نقش و کارکرد آموزه‌های اسلامی در مقام گردآوری و داوری دستاوردهای فلسفی می‌پردازد. فلسفه اسلامی، دانشی است که از موجود بما هو موجود با روش عقلی بحث می‌کند. (غفاری، ۱۳۸۳، صص ۱-۲۵). فلسفه اسلامی

عقلانی فلسفی بررسی شده است. (جدول شماره ۱).
با توجه به آنچه گفته شد می‌توان اذعان کرد که فلسفه، فعالیت عقلانی است. حتی فیلسوفانی که می‌خواهند در فلسفه پردازی خود به عناصر غیر عقلانی تاکید کنند، باز این عمل را به وسیله فعالیت عقلانی انجام می‌دهند؛ البته این فعالیت عقلانی به یک شیوه به انجام نمی‌رسد. گاهی از روش استدلال قیاسی و گاهی استقرایی و گاهی تمثیلی و گاهی شهودی و گاهی هندسی مدد می‌جوید. همچنین در این فعالیت عقلانی، گزافی صورت نمی‌گیرد؛ بلکه برای پاسخگویی به سؤالات اساسی فراروی انسان است. (محمدرضایی، ۱۳۸۵، صص ۳۶-۳۷). در واقع فلسفه از سنخ اندیشه بوده و شناخت حقایق اشیا به مقدار ممکن است و اگر مجموع اندیشه و انگیزه در تعریف فلسفه اخذ شود، فلسفه را تشبه به خالق، به مقدار ممکن تعریف کرده‌اند. به هر حال، فلسفه یا همان اندیشه بوده و محصول عقل نظری است یا مجموع اندیشه و انگیزه بوده و محصول عقل نظری و عقل عملی، هر دو، است. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۵).
همچنین صدر المتألهین، لفظ حکمت را جایگزین فلسفه قرار داده، آن را معرفت ذات حق و مرتبه وجود او و شناخت صفات و افعالش تعریف می‌کند (شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۲۵).

پژوهشگران در یک تقسیم‌بندی از فلسفه بر اساس

مسائلی مانند صفات ثبوتیه و سلبیه و بحث معاد روحانی و جسمانی، خلود، تجدد احوال در بهشت و جهنم، قضا و قدر، شرور و غیره از قرآن و روایات وارد فلسفه اسلامی شده است (عبودیت، ۱۳۸۲، صص ۲۶-۴۰). در همین رابطه متفکر شهید استاد مرتضی مطهری، مسائل فلسفه اسلامی را به چهار دسته تقسیم می‌کند: نخست مسائلی که به همان صورت اولی یونانی ترجمه، و بدون تغییر و تکمیل وارد فلسفه اسلامی شده است، مانند بیشتر مسائل منطقی، مقولات عشر، علل اربعه؛ دسته دوم، مسائلی که فیلسوفان اسلامی آن‌ها را تکمیل، و پایه‌های آن‌ها را محکم‌تر و مستدل‌تر کرده‌اند؛ مانند مسأله امتناع تسلسل، تجرد نفس، اثبات واجب، اتحاد عاقل و معقول؛ سومین دسته، مسائلی که محتوا و ماهیت آن‌ها به کلی تغییر کرده است؛ مانند مثل افلاطونی، رابطه خدا با عالم، مسأله صرف الوجود؛ و دسته چهارم، مسائلی که عنوان و محتوای آن‌ها بی سابقه و منحصرأ در جهان اسلام مطرح شده‌اند؛ مانند اصالت وجود، امتناع اعاده معدوم، مسأله جعل، مناط احتیاط شیء به علت، معقولات ثانیه، برخی اقسام تقدّم و حدوث، حرکت جوهری، تجرد برزخی، جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا بودن نفس، تقسیم علم به تصوّر و تصدیق (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۲۱). اما در بین مسائل فلسفه اسلامی، از مسئله تجلی خداوند سبحان در تمامی ممکنات وجود، که وحی الهی منشأ الهام و مبنای اصلی آن است، به عنوان روح فلسفه اسلامی یاد شده است.^۱

بازگشت علیت به تجلّی و تشّان و معرفی معلولات به صورت جلوه‌ای از جلوات و شأنی از شوؤن و مرتبه و اسمی از اسمای الهی یکی از دستاوردهای اصلی فلسفه اسلامی است. (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۲، ص ۳۰۵). در واقع فلسفه اسلامی با محوریت توحید، همه عرصه‌های هستی را عین الربط الی الله معرفی می‌کند (خسروپناه، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰). از اینروست که گفته می‌شود روح فلسفه اسلامی، که همان تجلی خداوند سبحان در تمامی ممکنات وجود است، توحید محورانه است؛^۲ زیرا تمام موجودات ممکن در تفکر فلسفی با ساحت مقدس ربوبی ارتباط دارند و تجلیات الهی یا وجود ربطی و فقری به شمار می‌آیند. وابستگی هستی‌ها به خداوند متعالی در تمام ساحت‌های آفرینش و تدبیر، پارادایمی است که از متون اسلام گرفته شده و جان

از حیث موضوع و مسائل و مشکلات و راه‌ها و شیوه‌های حل آن‌ها ممتاز و مشخص است. این فلسفه به مسأله واحد و کثیر، رابطه بین خدا و عالم پرداخته، میان وحی و عقل، عقیده و حکمت، دین و فلسفه وفاقی می‌دهد؛ پس فلسفه اسلامی مولود محیطی است که در آن به نشو و نما پرداخته و فلسفه‌ای دینی و روحی شده است. (بیومی مدکور، ۱۳۶۰، صص ۸-۱۱). به عبارت دیگر دین می‌تواند انگیزه برای تأملات فلسفی و جهت‌گیری در آموزه‌های فلسفی را ایجاد کند. فلسفه، ماده و صورتی دارد. صورت آن، برهان عقلی و ماده آن، محتوای فلسفی است. عوامل خارجی مانند آموزه‌های دینی در محتوای فلسفی مؤثر است (غفاری، ۱۳۸۳، صص ۱-۲۵). در واقع نظم اصول فقه ما به این صورت در می‌آید که دین، منبع هستی‌شناختی دارد و کلام و فلسفه عهده‌دار تحقیق از آن است، نه فقه و اصول فقه. اصول فقه با این فرض که از کلام و فلسفه گرفته شده است، آغاز می‌شود و در پی منابع معرفتی این دین گام برمی‌دارد؛ این منبع یا عقل است یا نقل و در هر دو صورت شرایط و اقسام آن را بررسی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۷).

در واقع آموزه‌های وحیانی اسلام در جهت دهی، طرح مسأله، ابداع استدلال و رفع اشتباه بر فلسفه تأثیر می‌گذارد و فلسفه اسلامی را امکان‌پذیر می‌سازد. همچنین دین مبین اسلام در مقام گردآوری و طرح مسأله نیز بر فلسفه تأثیر می‌گذارد و با طرح آموزه‌های هستی‌شناسانه جدید، مسائل فلسفی نوی را فرا روی فیلسوفان متدین قرار می‌دهد و آن‌ها نیز با استدلال‌های عقلی به اثبات گزاره‌های هستی‌شناختی می‌پردازند. از سوی دیگر آموزه‌های دینی در قلمرو هستی‌شناسی به طور صریح یا ضمنی، ارائه استدلال کرده‌اند و به همین دلیل در ابداع استدلال بر فلسفه تأثیر می‌گذارند و با نشان دادن خطای فلسفه، مغالطی بودن استدلال را به فیلسوف نشان می‌دهد. تأثیر اسلام بر فلسفه از زاویه کلام در طرح مسائل نو مانند مسأله مساوقت وجود با شینیت و نفی واسطه بین وجود و عدم، مسأله امتناع اعاده معدوم، مسأله مناط احتیاج معلول به علت، مسأله ابطال اولویت، مسأله امتناع ترجیح بلا مرجح نمایان است، همچنان که تأثیر اسلام بر فلسفه متعالیه از زاویه عرفان اسلامی در مسأله اصالت وجود، وحدت وجود، وجود منبسط، بسیط الحقیقه کل الاشياء، تطابق عوالم، آشکار است و همچنین

تازه‌ای به فلسفه بخشیده است. (همان، ص ۱۱۲). مقصود از تجلی، آشکار شدن ذات مطلق حق تعالی و کمالات او پس از متعین شدن به تعینات ذاتیه یا اسماییه یا افعالیه‌اش برای خود او یا برای غیر او (یعنی در آینده فعل) به نحوی که تحافی یا حلول یا اتحاد لازم نیاید، می‌باشد. (رحیمیان، ۱۳۷۶: ۳). به واقع در حکمت متعالیه، هر سفری یا به سوی خدا است، یا از خدا به خدا است، یا از خدا به خلق خدا است یا از خلق خدا به خلق خدا به نام خدا است و اگر سفری با نام خدا نباشد و با خدا و از خدا و به سوی خدا نباشد، سیرش رکود و تحجر و انحطاط است ۴ (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۰)؛ چرا که وجود از فیض مقدس متجلی است، اعیان نیز از فیض اقدس در مقام تفصیلی اسما صفات از طلب فاعلی اسما متعین شده‌است و وجود ساری در مظاهر نیز به صورت فیض اقدس است و جمع مجالی و مظاهر و نور و وجود (نراقی، ۱۳۵۷، ص ۱۸۸). تجلیات ذات حضرت حق را به سه گونه نامگذاری کرده اند: ۱- تجلی ذاتی و حضور ذات که همان مرتبه کنزاً مخفیاً است، بدون اعتبار هیچ گونه لحاظی و اعتبار تعین و قیدی. ۲- تجلی اسمانی و مرتبه واحدیت است که از آن تعبیر به فیض الله اقدس می‌شود و در این مرتبه اسما و صفات و لوازم آنها که اعیان ثابتة ممکنات هستند، در علم حضوری ذات لذات ظاهر می‌شوند، البته به نحو وحدت و بساطت یا علم اجمالی در عین کشف تفصیلی و این تجلی و احدیت، لازمه مرتبه احدیت است و مرتبه احدیت منشأ و جاذب آن به نحو منشیت علت و جاذبیت برای معلول می‌باشد. ۳- تجلی وجودی و شهودی و مرتبه ظهور فعل الله؛ یعنی وجود منبسط و به عبارت دیگر، تجلی افعالی است و آن ظهور حضرت حق تعالی از مرتبه واحدیت اسمانی است به و احدیت فعلی به صور اسما در مراتب کون و هستی که لوازم اسما و صفات می‌باشند؛ ظهوری به گونه‌ای بسیط و کثرت در عین وحدت و از این ظهور فعلی بسیط، عرفاً تعبیر به فیض الله مقدس، نفس الرحمن، وجود منبسط، رحمه واسعه، نور مطلق و هتک الستار می‌کنند. (مصطفوی، ۱۳۷۴، صص ۱۱-۲۰) اما از آنجا که فیلسوفان اسلامی، منشأ همه هنرها را هنر مطلق، یعنی حق تعالی، می‌دانند. در ادامه به بررسی چگونگی تجلی فلسفه اسلامی در هنر معماری پرداخته شده است.

تجلی فلسفه اسلامی در معماری: معماری متعالی و مقدس معماری، تبلوری از فرهنگ يك جامعه در گذرگاه زمان است. به تعبیری دیگر می‌توان به مدد این هنر جنبه‌های مختلف رشد و پویایی هنر و فرهنگ هر زمان را مورد پژوهش و تحقیق قرار داد. هنگامی که سخن از ایجاد بنایی می‌رود، ساختمان ابن بنا صرفاً نمی‌تواند مورد نظر قرار گیرد، ابعاد گسترده دیگری در کنار این بنا از قبیل شرایط اقلیمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و هنری مطرح می‌شود و به همین دلیل معماری تنها شاهد زنده و سند گویای فرهنگ و هنر هر قوم است. (شیرازی، ۱۳۶۱، ص ۱۳۹). معماری‌ای که ریشه در سنت مقدس داشته باشد، این نظم را از فضای مادی به بیان نظم مابعد الطبیعی گسترش می‌دهد؛ بنابراین اشتغال خاطر این نوع معماری جای دادن انسان در حضور خدا از طریق قدسی کردن فضا است (عزام، ۱۳۸۰، ص ۱۶۸). در واقع معماری متعالی و مقدس در صدد است تا روح حاکم بر هنر قدسی را، که همانا تجلی خداوند سبحان در تمامی ممکنات وجود است، از طریق طراحی آگاهانه فضاهایی روحانی، استعاری و نمادین که رجوع به عالم توحید دارند، به صورت ملموس و قابل ادراک بیان کند و از این رهگذر زمینه درک ذات اقدس الهی را برای انسان‌های مشتاق و غربت‌زده فراهم سازد. معماری قدسی از نمادها در خلق فضاهای روحانی و انتقال مفاهیم الهی بهره می‌گیرد. نمادها خود تجلیاتی از مطلق در مقیّدات هستند و صور نمادین، که جنبه‌های محسوس از واقعیت ماورا طبعی چیزهایند، موجودیت خود را دارند. انسان نمادها را نمی‌آفریند، بلکه بدست آنها دگرگون می‌شود. موجودیت نمادها از این تمایل معکوس تبعیت می‌کند که «ادنی» جلوه‌گاه «اعلی» است (اردلان، بختیار، ۱۳۸۰، ص ۵). در واقع معماری قدسی با کیهان‌شناسی مأنوس و در ارتباط است و هر گونه خلّاقیتی در آفرینش معماری قدسی تکراری است از مثال اعلای آفرینش عالم و هر بنایی که اینک بنیان نهاده می‌شود، ریشه اش در مرکز عالم قرار دارد (الیاده، ۱۳۶۵، ص ۵۶).

در واقع معماری متعالی بر آن است تا با طراحی هدفمند و آگاهانه فضاهایی که یاد الهی را تجسم می‌بخشند، انسان را به خلوت درونی الهام الهی رهنمون سازد. ۵ در معماری قدسی، معمار، آفریننده نیست، بلکه وی با اثرش پرده از رخسار حقیقت برمی‌دارد که همانند هنرهای طبیعت‌اند،

همزمان کار آیند و کیهانی، و عجین با اصالت تبیین، که حقیقت را از راه طریقت جستجو می‌کند. حقیقتی که سراسر جمال و زیبایی است (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ص ۵). معماری قدسی از آن رو زیباست که وابسته است به مرکزی ترین کانون وظایف بشری، که همانا پیوند دادن و نزدیک ساختن آسمان و زمین است (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۱۷۴). معماری قدسی به مثابه‌ی ملموس‌ترین و محسوس‌ترین بخش از هنر قدسی، تصویر و بازتابی آشکار از نظم و وحدانیت حاکم در جهان هستی است. بنابراین اگر معماری، چیزی بیش از ساختار مادی، و حتی بیش از یک شکل زیبا شناختی چشمگیر دانسته شود، (پوپ، ۱۳۷۳، ص ۷۴). آنگاه می‌توان به این مهم معترف بود که معماری قدسی، خلق بستری متعالی است که در آن وحدانیت، مرکز و اساس به وجود آمدن همه چیز است و آدمی وقار فطری و کمال باطنی‌اش را در آن باز می‌یابد. وحدانیتی که با تکررات و تنوعات عناصر شکل می‌گیرد و به واقع زاده‌ی بستر کثرت است. در معماری قدسی، انسان و تمامی عناصر حاضر در طبیعت، انعکاسی آشکار از ذات احدیتی مقدس می‌باشند و زیبایی این هنر به واسطه‌ی وابستگی به همین جمال و کمال مطلق و برقراری پیوندی منطقی میان آسمان و زمین متجلی گشته است؛ چرا که این زیبایی و کمال مطلق از آن یکتا خالق هستی است و تنها اوست خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نامها [و صفات] از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین است [جمله] تسبیح او می‌گویند و او عزیز حکیم است. ۶ از آنجایی که بودن انسان در این جهان مقدمه‌ای است برای بودن جاودان در جهانی دیگر و هدف از زیستن این انسان در این جهان، دست یافتن به بهشتی موعود است در جهانی دیگر و انسان سنتی در اشتیاق بازگشت به بهشت موعود، معماری‌ای می‌آفریند، که بیش از آنکه محل سکنی گزیدن باشد، محل شدن و گذران است (حجت به نقل از صدر المتألهین، ۱۳۸۴، ص ۵۸).

به واقع هدف معماری متعالی و مقدس، خلق فضاهای قدسی و روحانی است. فضای قدسی، جایی است که در آن، ارتباط میان جهان ما و جهان دیگر، عالم تحتانی و عالم فوقانی، عالم کبیر و عالم صغیر، ممکن می‌شود. به بیانی دیگر، فقط در فضای قدسی عبادتگاه، گذار از مرتبه‌ای به مرتبه‌ی دیگر و خاصه گذار از زمین به آسمان، در وهله

نخست، امکان پذیر می‌شود. یعنی گذار از کیفیت وجودی خاصی به کیفیت وجودی دیگری، گذار از حال و وضع گیتیانه به حال و وضع قدسی. (ستاری، ۱۳۸۱، صص ۱۷۹-۱۸۰). در معماری قدسی فضا توسط صورهای استعاری و نمادین واقع در آن جنبه کیفی پیدا می‌کند. در واقع یک مرکز قدسی، قطبی کننده‌ی (و نه قداست بخش) فضای اطراف خود است، عینا همانند مکه (که برای مسلمانان در حکم نقطه‌ای خاکی روی محوری است که آسمان و زمین را به یکدیگر پیوند می‌دهد و بر این اساس خود مرکز زمین است) قطبی کننده‌ی همه‌ی فضا برای بجا آوردن عالی ترین فریضه اسلامی است. (اردلان، بختیار، ۱۳۸۰، پیشگفتار ل). در واقع فضای عبادتگاه، چه کوچک و چه شکوهمند، در اصل فضایی قدسی است که فضای عرفی بی حد و حصر و هاویه‌گون و نسبتا مجهول، آنرا در میان گرفته‌است. این فضای پیرامون به راستی هاویه‌گون است، چون سازمان یافته نیست و به درستی شناخته نیست، زیرا حدود و ساختارش، مشخص و معلوم نیست. فضای عرفی، آشکارا در تضاد با فضای قدسی است، زیرا فضای قدسی دارای حدود مشخص و کاملاً ساختارمند است و به اصطلاح مرکزیت یافته و متمرکز است. (همان، ص ۱۷۷). پر واضح است که برترین تجلی‌گاه معماری متعالی در وادی مسلمین، در ساختار فیزیکی و معنایی مساجد متظاهر گشته که خود نمودی آشکار از توازن، تعادل، نظم و تجسم وحدانیت خداوند بوده است.

یافته‌ها

ویژگی‌ها و قانونمندی‌های معطوف به تجلی روح فلسفه اسلامی

در هنر معماری متعالی

معماری متعالی در خلق مساجد، همیشه تجلی و تبلوری از اعتقادات و باورهای معمار مسلمان بوده‌است. این معماری همواره حاوی نمادهایی از جوشش درونی او بوده که به صورت خلق اثری نمادین و هنری ابراز شده‌است. این معماری در صدد است تا دین و دنیا را به همدیگر پیوند دهد. بطوری که اغلب اندیشمندان غربی نیز سرچشمه‌های وجوه نمادین اندامهای کالبدی مساجد را عالم مثال یا عالم ملکوت و یا بهشت موعود دانسته‌اند (استیرلن، ۱۳۷۷، ص ۱۷۹). در واقع مسجد سراپرده‌ی جلوه‌های روحانی، بستر



تکامل و تعالی روح و فضایی زیبا، آشنا و گرم خواست. مکانی است روحانی، که با تجسم خلوص، عدالت و تقوای ذات یگانه و اقدس الهی در لایه‌های مستتر معرفتی خود، شوق و شغف مذهبی و دینی آدمیان را برمی انگیزد و با بیانی تجربیدی و تجسمی نمادین، عظمت و زیبایی حق تعالی را بر تار و پود وجودشان می‌نگارد. آنان را به تفکر و تأمل در راز و رمزهای هستی وامی‌دارد و روح بی قرارشان را از قیود عالم محسوسات رهانیده و به سوی نوری مطلق ۷ سوق می‌دهد. مسجد از آن خداست ۸ و به مثابه‌ی سمبلی آشکار از رحمت الهی اش و زبانی نمادین از انگاره‌های معنوی، همواره بر هدف متعالی مذاهب توحیدی، که همانا خداگونه شدن (قرب الی الله) در سایه خود شناسی و سیر در انفس است، تاکید کرده‌است. همچنین همواره کوشیده تا با برقراری پیوندی منطقی میان زمین (بستر خود آگاهی) و آسمان (زمینه ساز مسیر در ملکوت)، گذار از خود و رسیدن به خدا را فراهم آورد. خدایی که هر کوه در بارگاهش لیاقت حضور یابد، از دام جهان‌رهایی می‌یابد و تنها شدنش برای او می‌گردد.

تجلی طبیعت راز گونه، حقایق و نشانه‌های خداوندی در مساجد در وجوه نمادین عناصری چون گنبد، شبستان، صحن، محراب و مناره متبلور گشته است. صحن تجسم گسست انسان از عالم فانی و گام نهادن در جریان مقدس و متبرک است. فضایی است مرکزی که تمامی عناصر درونی‌اش (آب، حوض و رواق‌ها) در جهت خلق فضایی ماورایی گام برمی دارند، فضایی که آدمی در آن حضور می‌یابد تا هم زبانی در این وادی بیگانه بیابد. شبستان تجلی سکون و آرامش خیال انگیز معنویت بر نهادی این جهانی و بستری است که عاشق سر بر خاک سجده‌ی معبود می‌نهد. اما گنبد نماد آسمان و مقصد عروج انسان است، (بلخاری، ۱۳۸۴، ص ۱). معمار متقی و بهره‌مند از فطرت الهی، این حرکت و سلوک معنوی را با خلق قامت‌های آسمانی (مناره‌ها) که دست به سوی آسمان می‌گشایند، تکمیل می‌نماید. مناره‌هایی که در بیکران لاجوردی، تجسم آیینی رمز وار و نیایشگر حضور یگانگی خداوندگاری است که آدمی را به وصالش فرا می‌خواند. برآستی پیوند نقوش، خطوط و سادگی فرم مناره‌ای که اوج می‌گیرد و خود را از محاصره‌ی دیار فانی می‌رهاند، هدفی جز بیان قاطع عظمت یگانه خالق هستی

ندارد. بورکهارت در بیان این مهم می‌نویسد: حرکت مناره‌ها که به سوی آسمان سر برافراشته و جهش می‌کنند، نمودی از گواه و شهادت بر یگانگی خداوند است (بورکهارت، ۱۳۶۵، ص ۶۰). علاوه بر این مناره به واسطه مفهوم ذاتی اش (محل نور)، فرمی دایره وار به خود می‌گیرد تا نور و کلام الهی را به هر سوی بتاباند و از این روزمینه ساز قداستی باشد که حضور پروردگار را برای انسان محسوس گرداند. برآستی این چیزی جز روایت این کلام الهی: فاینما قولو فثم وجه الله... (سوره مبارکه بقره آیه ۱۱۵) در ساختاری فیزیکی، نمی‌تواند باشد. همچنین تمرکزگرایی، وحدت، حرکت سلسله وار، حضور فضاهایی واسط که آمادگی ذهنی فرد برای گذار از عالم مادی به دیار فانی را فراهم می‌آورد (نماد برزخ)، وجود محرابی با تمامی نمادها و نشانه‌های تقدس و معنویت در نقطه‌ی تمرکز و توجه، ترکیب و کنتراست رنگ‌های زمینی (آجری) و رنگ‌های آسمانی (آبی)، فیروزه ای، لاجوردی و سفید) در تزیینات و بازی نور و سایه در مساجد چیزی جز حدیث تجلی شگفتی‌های ذات اقدس الهی در فضایی سه بعدی نمی‌تواند باشد. با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد معماران متقی این سرزمین، برای متجلی ساختن ذات اقدس الهی در هنر معماری مساجد (یا به بیانی دیگر تجلی روح فلسفه اسلامی در هنر معماری)، از اصول و قانونمندی‌های ویژه‌ای در طراحی فضاهای این مکان‌های روحانی بهره گرفته‌اند. قانونمندی‌هایی قابل ادراک، که هر یک نماد و گواه فطرت الهی و خداجوی این معماران بوده‌است. در جدول شماره ۲ این قانونمندی‌ها به همراه ریشه‌های الهی آنها تدقیق شده‌است. (جدول شماره ۲)

با توجه به آنچه گفته شد در ادامه، به بحث و تحلیل چگونگی تجلی قانونمندی‌های پیش گفته در ساحت مسجد گوهرشاد و مسجد جامع اصفهان به عنوان دو نمونه برجسته مساجد دوران اسلامی، پرداخته شده‌است.

بحث

به واقع فرم و نوع شکل‌گیری مسجد گوهرشاد، ارتفاع، عظمت گروی و دوری از تناسبات انسانی را به ذهن آدمی متبادر می‌سازد. نوع رابطه ایوان‌ها با یکدیگر و همچنین ارتفاع گنبد، که از آنها وحدت و یگانگی در عین کثرت،

جدول ۲. ویژگی‌ها و قانونمندی‌های معطوف به تجلی روح فلسفه اسلامی در معماری متعالی؛ ماخذ: نگارندگان

ریشه‌های الهی و متعالی موجود	قانونمندی‌های معماری	مفهوم و سنجه قانونمندی
ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور (سوره ملک، آیه ۳) قد جعل الله لكل شیء قدرا (سوره طلاق، آیه ۳)	تنوع	تنوع گونه‌ها و الگوها
		تنوع رنگ‌ها در مصالح، تزیینات، نورگیرها و شیشه پنجره‌ها
		تنوع فرم‌ها و شکل‌ها در پلان، نما و برش و تنوع عملکردهای فضایی
الذی خلق فسوی. و الذی قدر فهدی (سوره اعلی، آیه ۳ و ۴)	نظم	انتقال و تطابق و جابه‌جایی الگوهای هندسی و تناسبات از طریق دایره محیطی منبأ؛ هماهنگی فضاهای؛ استفاده از قوانین و اصول هندسی در نقشه و نما
هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیء علیم (سوره حدید، آیه ۳)	تاکید بر مرکزیت	تاکید بر احد و مرکز به عنوان عنصر اصلی طرح‌های هندسی قرینه و نقوش اسلامی؛ حضور فضاهای با ارزش (همچون حیاط یا شبستان) در مرکز بنا، جهت‌گیری بنا به سمت قبله
من کان یرید العزۃ فلله العزۃ جمیعاً الیه یصعد الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه و الذین یمکرون السینات لهم عذاب شدید و مکر أولئک هو یمور (فاطر ۱۰)	حرکت از فرش به عرش	تجلی حرکت به سوی قربت ال‌الله از طریق وابستگی تمام عناصر به خدای یگانه، کامل و هدفدار و پرفایده بودن آنها
الذی خلق فسوی. و الذی قدر فهدی (سوره اعلی، آیه ۳ و ۴)	ضرباهنگ و تکرار	سلسه مراتب فضایی و تداوم بین فضاهای درونی و بیرونی، ستون‌ها و فضاهای باز و بسته
والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم. (سوره بقره، آیه ۱۶۳) و الهنا و الهکم واحد (سوره عنکبوت، آیه ۴۶)	وحدت	هم‌آهنگی، یگانه‌سازی و فقدان بیگانگی و تنش میان اجزا؛ جاگیری مطلوب کلیه اجزا و عناصر
ارضیتم بالحویه الدنیا من الاخره فما متاع الحیوه الدنیا فی الاخره الا قلیل. (سوره توبه، آیه ۳۸)	سادگی فضایی و دوری از الحاقات زائد	عدم وجود نشانه‌ای از عظمت طلبی و بلندی‌گرایی و تواضع و تسلیم مقیاس‌ها و فرم‌های ساختمانی در عین پرمایگی و آراستگی؛ دوری جستن از تصنع و زرق و برق
... ان فی ذلک لآیات افلا یسمعون (سوره سجده، آیه ۲۶) ثم ارجع البصر کترین ینقلب الیک البصر خاسئاً و هو حسیر (سوره ملک، آیه ۴)	حس اکتشاف	وجود فضاهای دعوت‌کننده؛ ذوق و قریحه هندسی در حکاک‌ها، نقش آیات الهی بر دیوارها و کتیبه‌ها، سمبل‌ها و نورانیت محراب
و الارض مددنھا و القینا فیھا رواسی و انبتنا فیھا من کل شیء موزون. (سوره حجر، آیه ۱۹) ... و خلق کل شیء فقدره تقدیراً (سوره فرقان، آیه ۲)	عدالت	وجود تناسبات و اندازه‌های متعادل‌کننده، نیکو، زیبا و کامل
ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم (سوره بقره، آیه ۱۲۷) أفمن یخلق کمن لا یخلق أفلا تذکرون (نحل ۱۷)	ابداع و نوآوری	نبوغ در جذب سنت‌های هنری پیشین و نوآوری در نقشه‌های ساختمانی، نحوه آجرچینی، کاشی‌کاری، گچ‌بری، آئینه‌کاری و ...
و لقد مکناکم فی الارض و جعلناکم فیھا معایش قلیلاً و ما تشکرون (سوره اعراف، آیه ۱۰)	احترام به محیط طبیعی	نقوش اسلامی گل و برگ، وجود آب و استفاده از نور طبیعی؛ خضوع در برابر نظم طبیعی و هماهنگی فرم‌ها با طبیعت

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
ضمیمه شماره ۴۸ پاییز ۱۳۹۶
No.48 Autumn 2017

۳۸۵

ابداع و نوآوری و تلاش برای گسست از زمین و نیل به آسمان به عنوان نماد جهان تجرد و لاهوت جهت شهود و وصال ساحت مقدس حق تعالی استنباط می‌شود، شاید اولین نشانه از حضور اصول قدسی در معماری این بنا باشد. آشنایی استاد قوام‌الدین شیرازی به عنوان معمار بنا و واسطه‌ی این طی طریق از عالم ماده به عالم معنی، با اصول تباین فضایی و تسلط بصری، که در ترکیب بندی و رابطی فضایی بین حیاط، ایوان‌ها، گلدسته‌ها و گنبد نمود می‌یابد؛ بر انتقال این مفاهیم متعالی به مخاطب تاثیر شگرفی داشته است. اما در نگاهی دقیق‌تر به این بنا، حضور و وجود تعادل و عدالت، به عنوان انگاره‌هایی دیگر از معماری قدسی، به وضوح خودنمایی می‌کند. این وجود در پرهیز همزمان از یکنواختی ملال آور و پیچیدگی گیج کننده بروز می‌یابد. انجام این مهم به کمک استفاده ماهرانه معمار از نیروی نقش و نگار کاشیکاری‌ها، طرح‌های هندسی آجری و همچنین استفاده از تباین معنی‌دار ایوان‌ها با ریتم رواق‌ها، دهلیزها و نخیرهای عمیق صورت پذیرفته است. اما در باب تزئینات و ترکیب رنگ در مسجد گوهرشاد و از آن جهت که معماری قدسی از طریق طراحی جزئیات زیبا و کارکردی در بناها، و ترکیب همزمان نقش و نگارهای ملهم از طبیعت با اشکال هندسی در تزئینات بناها، سعی در بیان مفاهیمی چون جمال، زیبایی، نظم، تقدس و قدرت لایزال حق تعالی داشته است، و همچنین از آن جهت که رنگ‌ها که با الهام از طبیعت در جای خود قرار می‌گیرند، هر یک نماد و استعاره‌ای از عالم کبیر هستند؛ باید گفت: به غیر از ازاره‌های بنا که با سنگ تیره پوشیده شده است، بقیه‌ی بخش‌های نما با شیوه‌های مختلف اسلیمی و گیاهی در رنگ‌های متنوع آبی، فیروزه ای، زرد، سفید و تزئین شده است.

همچنین ایوان شبستان سفید یکدست است، حال آنکه در سه ایوان دیگر زمینه طاق رنگ قرمز مات دارد که با کتیبه‌های کوفی فیروزه‌ای روشن با سایه سفید که به رنگ سبز در زمینه قرمز جلوه‌گر می‌شود. (پوپ، ۱۳۷۳، ص ۱۹۸). استفاده از رنگ‌های متنوع و در عین حال هماهنگ (وحدت در عین کثرت) و غنا بخشیدن به نور (به عنوان نمادی از کمال ذات اقدس الهی) در معماری قدسی این مسجد به حد اعلای خود می‌رسد. حیاط مسجد گوهر شاد، که از آن به عنوان زیباترین نمونه رنگ در معماری که تا کنون

پدید آمده است یاد می‌شود، (همان) مثال بارزی از توجه و علاقه معماری قدسی به رنگ و نور است. اصولاً در معماری قدسی رنگ‌های سفید، آبی فیروزه‌ای، لاجوردی و آجری بیشتر از همه به کار رفته است. در عین حال به کارگیری اعدادی مقدس در طراحی مجموعه (وجود هفت شبستان، هفت در ورودی) نیز، نشان از تفکرات الهی در ساخت این بنا دارد. بنایی که به عنوان نشانه و نمادی از معماری قدسی، و به عنوان اثری فاخر، سعی در فراهم ساختن بستری داشته که جزییات کالبدی با پشتوانه‌ی تفکرات عرفانی، دست به دست هم دهند تا کلیتی معنوی شکل گیرد و وجود احدیتی یکتا را در ورای لایه‌های پنهانی خود به انسان یادآوری کند. همچنین تمامی عناصر مسجد جامع اصفهان، که در حال حاضر در زمره‌ی مساجد چهار ایوانی محسوب می‌گردد، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که نمایانگر مفاهیم عظمت و وحدانیت ذات اقدس الهی باشند. با برقراری تعامل و تعادل منطقی میان عناصر به کار رفته در این مجموعه، طراحی ایوان‌های با شکوه، به کارگیری رنگ‌های دلفریب، خیال انگیز و غز در ترکیبات تزئینات گچ بری و آجرکاری، بهره‌گیری از گنبدی رفیع در تناسباتی موزون و استفاده از رنگ‌های مفرغی در حاشیه‌ی سفید و روشن، تلاش شده است تا اندیشه‌های معنوی به صورت پوسته‌ای کالبدی و قابل کشف و درک، بیان شوند. همچنین باید اذعان داشت که حضور عناصری متعادل، متنوع، هماهنگ و پویا که عنصری سمبلیک و واحد (گنبد) را به مثابه‌ی نقطه‌ی عروج و پیوستی آسمانی در آغوش گرفته‌اند، حضور محراب‌هایی موقر که تجلی گاه معنویت و نقطه‌ی اعتلای تمرکز و توجه انسان می‌باشند، توالی رواق‌ها و عناصری که بیانگر وحدت در بستر کثرت هستند، تزئینات مقرنس کاری و کاربندی‌های به کار رفته در ایوان‌های چهار سوپیه‌ی میانسرای مسجد که با طبیعت و معنویت هم‌نوا گشته‌اند و مناره‌هایی که فریاد آشتی میان زمین و آسمان سر می‌دهند همگی نقشی قابل لمس در پاسحگویی به نیاز خداجویی انسان در این مسجد تاریخی داشته‌اند.

در جدول شماره ۳ و با استفاده از تکنیک فرآیند تحلیل سلسه‌مراتبی، به تحلیل این دو پیکره متعالی و قدسی اقدام شده‌است تا ویژگی‌ها و قانونمندی‌های حاکم بر معماری آنها، که منبعی الهی و قدسی دارند، شناخته و در طراحی

مساجد امروزی بیش از پیش به آنها توجه شود. (جدول شماره ۳). در توضیح جدول شماره ۳ باید اذعان کرد که پس از تشکیل ساختار سلسله مراتبی برای قانونمندی‌ها و معیارهای استخراج شده به مقایسه دودویی آن‌ها بر اساس مقیاس ۹ کمیتی ساعتی پرداخته شد و سپس جهت ارزیابی سازگاری در قضاوت‌ها از شاخص ضریب ناسازگاری

(Inconsistency Ratio) استفاده گردید که ضریب به دست آمده (۰/۰۶/۱۰/۰)، صحت قضاوت‌های صورت گرفته را نشان می‌دهد. پس از اطمینان از صحت ضرایب به دست آمده هریک از معیارهای ارزیابی، به مقایسه دودویی هر دو گزینه بر اساس معیارها پرداخته شد و پس از ضرب کردن ضریب اهمیت هر گزینه در ضریب اهمیت آن معیار،

جدول ۳. تحلیل ویژگی‌های مساجد گوه‌رشاد و جامع اصفهان با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی. مأخذ: نگارندگان

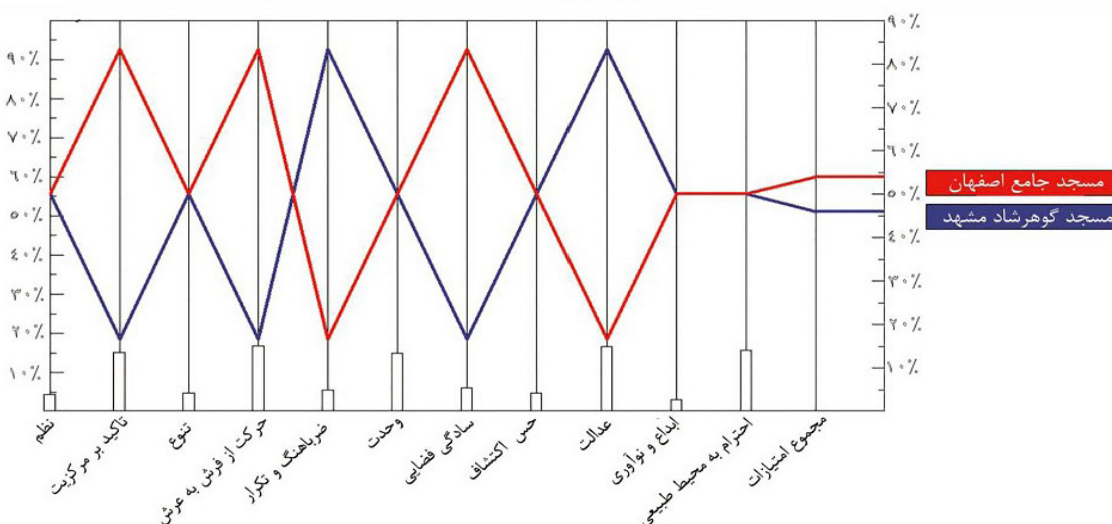
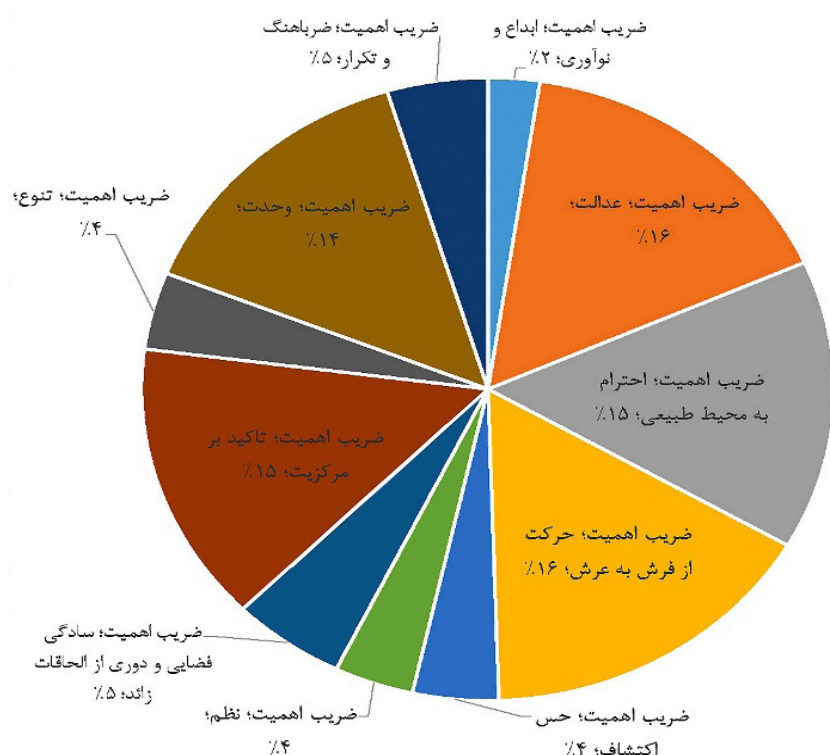
معیار	ضرایب اهمیت معیارها	گزینه‌ها	ضریب اهمیت گزینه‌ها	امتیاز کل
ابداع و نوآوری	۰/۲۴	مسجد گوه‌رشاد مشهد	۵/۰	۰/۱۲
		مسجد جامع اصفهان	۵/۰	۰/۱۲
عدالت	۱۵۹/۰	مسجد گوه‌رشاد مشهد	۸۳۳/۰	۱۳۳/۰
		مسجد جامع اصفهان	۱۶۷/۰	۰/۲۷
احترام به محیط طبیعی	۱۵/۰	مسجد گوه‌رشاد مشهد	۵/۰	۰/۷۵
		مسجد جامع اصفهان	۵/۰	۰/۷۵
حرکت از فرش به عرش	۱۶۱/۰	مسجد گوه‌رشاد مشهد	۱۶۷/۰	۰/۲۷
		مسجد جامع اصفهان	۸۳۳/۰	۱۳۳/۰
حس اکتشاف	۰/۴	مسجد گوه‌رشاد مشهد	۵/۰	۰/۲
		مسجد جامع اصفهان	۵/۰	۰/۲
نظم	۰/۳۷	مسجد گوه‌رشاد مشهد	۵/۰	۰/۱۹
		مسجد جامع اصفهان	۵/۰	۰/۱۹
سادگی فضایی و دوری از الحاقات زائد	۰/۵۳	مسجد گوه‌رشاد مشهد	۱۶۷/۰	۰/۰۹
		مسجد جامع اصفهان	۸۳۳/۰	۰/۴۴
تاکید بر مرکزیت	۱۴۵/۰	مسجد گوه‌رشاد مشهد	۱۶۷/۰	۰/۲۴
		مسجد جامع اصفهان	۸۳۳/۰	۱۲۱/۰
تنوع	۴۵/۰	مسجد گوه‌رشاد مشهد	۵/۰	۰/۰۹
		مسجد جامع اصفهان	۵/۰	۰/۰۹
	۴۵/۰	مسجد گوه‌رشاد مشهد	۵/۰	۰/۰۹
		مسجد جامع اصفهان	۵/۰	۰/۰۹
	۰/۹	مسجد گوه‌رشاد مشهد	۵/۰	۰/۰۲
		مسجد جامع اصفهان	۵/۰	۰/۰۲
وحدت	۱۴۲/۰	مسجد گوه‌رشاد مشهد	۵/۰	۰/۷۱
		مسجد جامع اصفهان	۵/۰	۰/۷۱
ضرباهنگ و تکرار	۰/۴۷	مسجد گوه‌رشاد مشهد	۸۳۳/۰	۰/۳۹
		مسجد جامع اصفهان	۱۶۷/۰	۰/۰۸

امتیاز کسب شده هر گزینه از معیار مورد نظر به دست آمده است که در نهایت از جمع امتیازهای کل، امتیاز نهایی هر دو گزینه مشخص گردید.

همچنین در نمایه شماره ۱، ضریب اهمیت هر کدام از قانونمندی‌ها و معیارهای تدقیق شده و چگونگی تاثیرگذاری هر کدام در مساجد گوه‌رشاد و جامع اصفهان ارائه شده است. (نمایه شماره ۱)

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

گفته شد که فلسفه، یا اندیشه است یا محصول عقل نظری و فعالیت عقلانی است که هدف آن پاسخگویی به پرسش‌های اساسی فراروی انسان است. همچنین گفته شد که اگر این فعالیت عقلانی و استدلالی، در مسیر نجات، سعادت و رستگاری انسان گام بردارد و مدافع حریم دین و رافع شبهات از دین باشد، و آدمی را به سرچشمه جوشان

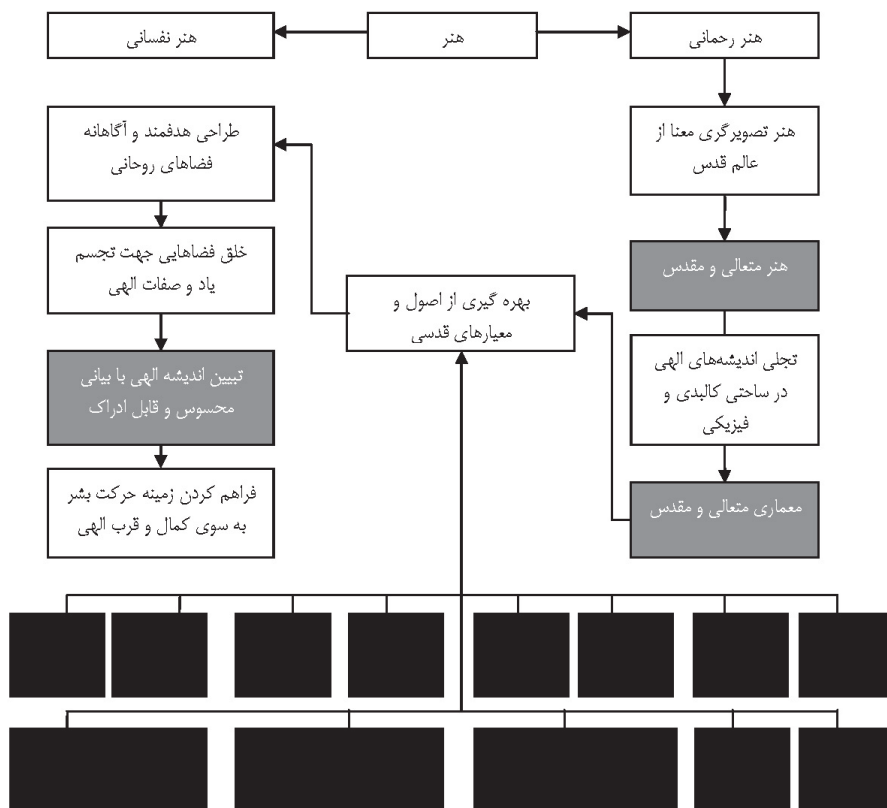


نمایه ۲. ضریب اهمیت معیارها و چگونگی تاثیرگذاری آنها در مساجد گوه‌رشاد و جامع اصفهان. ماخذ: نگارندگان

حیات راهنمایی کند، به فلسفه‌ای الهی تبدیل می‌گردد. در این رابطه، فلسفه اسلامی به عنوان فلسفه‌ای الهی که به رابطه‌ی میان خداوند عز و جل و عالم پرداخته و درصدد ایجاد وفاق میان وحی و عقل است، مورد تدقیق قرار گرفته‌شد. همچنین از مسئله وجود منبسط و تجلی خداوند سبحان در تمامی ممکنات وجود، به عنوان روح فلسفه‌ی اسلامی نام برده شد و وجوب امکانی آن در هنر و معماری مورد بررسی قرار گرفت. در این زمینه، مقاله حاضر از هنر و معماری متعالی و مقدس به عنوان مظهر تجلی صفات خداوندی در هنر معماری نام برد و به بررسی و بازساخت این هنر متعالی و توحید محور همت گمارد. همچنین مقاله حاضر با معرفی معماری متعالی در ساحت مسجد گوهرشاد و مسجد جامع اصفهان، به شناخت ویژگی‌ها و تحلیل جنبه‌های قدسی این دو مسجد پرداخت تا از این رهگذر، اندیشه‌ی متعالی توحید محور و روح قدسی حاکم بر این دو بنای فاخر مورد مذاقه قرارگیرد. نتایج حاصل از بررسی ویژگی‌های این دو مسجد، نشان می‌دهد که بسط و گسترش تنوع و گوناگونی

در لایه‌های مختلف معنایی و عملکردی مساجد با طراحی رازگونه همراه با خلاقیت و نوآوری با بهره‌گیری از عناصر، نقوش و فرم‌هایی متفاوت، می‌تواند موجبات ارتقا قدرت ادراک و شهود باطنی بازدیدکنندگان و عروج آنان از عالم ناسوت و رسیدن به ملکوت را فراهم آورد. همچنین تداعی حضور مقدس و لایزال الهی با ایجاد وحدت و تمرکز گرایی در عین کثرت از یک سو و تکرار نظم و ریتم طبیعی عناصر از سویی دیگر موجب می‌گردد تا بازیابی هویت گم‌گشته انسانی (معنویت) ممکن گردد. چراکه تجلی جمال و جلال الهی با دمیدن قطره‌ای از آن روح هاهوت در ضمیر ناسوت با خلق آثاری قدسی، انسان سرگشته امروزی را به تأمل و تفکر وادار می‌سازد و به آن لذت و احساسی هدیه می‌نماید که وصف ناشدنی است. احساسی که از کنار زدن لایه‌های ملکوت و نظاره جبروت و جلال یگانه خالق هستی به وجود می‌آید. (نمایه شماره ۲)

در انتها باید اذعان کرد که هنر و معماری متعالی و مقدس وسیله‌ای لست که از اندیشه‌ی الهی سود جسته و



نمایه ۳. هنر معماری متعالی و قدسی درصدد تبیین اندیشه الهی با بیانی محسوس و مطابق با فطرت انسانی است. ماخذ: نگارندگان

فلسفه‌ی اسلامی را در راه تبیین رابطه‌ی خداوند سبحان و انسان غربت‌زده امروزی (به عنوان یکی از ممکنات وجود) یاری می‌کند. وسیله‌ای که زبانی ملموس، قابل ادراک و مطابق با فطرت انسانی دارد و هدفش رهسپار نمودن انسان به شعاع جاذبیت خداوندی است که احاطه وجودی اش بر تمامی اجزای هستی قابل درک و شهود است. بدیهی است تحقق این مهم موجبات کمال و رستگاری ابدی انسان را فراهم می‌آورد.

منابع و مآخذ

۱. آملی، سید حیدر (۱۳۵۲) نص النصوص فی شرح الفصوص، انستیتیوی پژوهشهای علمی ایران و فرانسه.
۲. آیت الله زاده شیرازی (۱۳۶۱) سیری در شناخت هنر معماری ایران، فصل نامه هنر، شماره ۱.
۳. ابوالقاسمی، لطیف (۱۳۷۹) هنجار در شکل یابی معماری اسلامی ایران، معماری ایران دوره اسلامی، انتشارات سمت، چاپ اول
۴. اردلان، نادر و لاله بختیار. (۱۳۸۰) حس وحدت؛ سنت عرفانی در معماری ایرانی، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان، نشر خاگ.
۵. ارجح، اکرم. (۱۳۷۹) رمز پردازی در مسجد. مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مساجد. انتشارات دانشگاه هنر.
۶. ارسطو، (۱۳۷۸) مابعدالطبیعه، محمدحسن لطفی، کتاب اول (آلفای بزرگ)، طرح نو، چاپ اول.
۷. استیرلن، هانری (۱۳۷۷) اصفهان تصویر بهشت، تهران، نشر فروزان روز
۸. اسمارت نینیان و دیگران (۱۳۷۸) سه سنت فلسفی، ابوالفضل محمودی، قم، انتشارات بوستان کتاب
۹. اعوانی، غلامرضا. (۱۳۸۷) هنر، سنت، سنت گرایان. دومین هم اندیشی هنر، سنت، سنت گرایان.
۱۰. اعوانی، غلامرضا (۱۳۷۵) حکمت و هنر معنوی، انتشارات گروس، تهران
۱۱. افتخاری راد، فاطمه. (۱۳۷۹) رنگ در مساجد. مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مساجد. انتشارات دانشگاه هنر.
۱۲. الباده، میرچا (۱۳۷۵) مقدس و نامقدس، ترجمه نصرا... زنگونی، تهران، انتشارات سروش.
۱۳. انصاری، مجتبی (۱۳۶۷) اصول طراحی معماری سنتی و اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد معماری. دانشگاه تربیت مدرس

۱۴. بریه، امیل (۱۳۷۴) تاریخ فلسفه، علی مراد بریه، مرکز نشر دانشگاهی
۱۵. بستانی، محمود (۱۳۷۱) اسلام و هنر، ترجمه: حسین صابری، بنیاد پژوهشهای اسلامی، آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۱۶. بسیج، احمدرضا (۱۳۸۱) دین و هنر قدسی. مجموعه مقالات قرآن و هنر ۲.
۱۷. بلخاری قهی، حسن (۱۳۷۴) اصطلاحات و تشبیهات معماری در قرآن کریم، اولین کنفرانس تاریخ معماری و شهرسازی، سازمان میراث فرهنگی کشور، ج ۱
۱۸. بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۴) جایگاه کیهان شناختی دایره و مربع در معماری مقدس اسلامی. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۴
۱۹. بمانیان، محمد رضا (۱۳۷۹) تقوای الهی و معماری مساجد. مقالات دومین همایش بین المللی معماری مساجد. انتشارات دانشگاه هنر
۲۰. بمانیان، محمد رضا (۱۳۸۳). حکمت معماری مسلمین، طرح تحقیقاتی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس
۲۱. بورکھات، تیتوس (۱۳۷۰) نقش هنرهای زیبا در نظام آموزشی اسلام، جاودانگی و هنر، ترجمه: سید محمد آوینی، نشر برگ.
۲۲. بورکھات، تیتوس (۱۳۶۹) هنر مقدس (اصول و روشها)، ترجمه: جلال ستاری، انتشارات سروش، چاپ اول
۲۳. بورکھات، تیتوس (۱۳۶۵) هنر اسلامی زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات سروش، مجموعه هنر اسلامی ۲، چاپ اول.
۲۴. بورکھات، تیتوس (۱۳۷۶). مبانی هنر معنوی (مجموعه مقالات ۱)، زیر نظر علی تاجدینی، مؤسسه انتشارات سوره، چاپ دوم.
۲۵. بیومی مدکو، ابراهیم (۱۳۶۰) درباره فلسفه اسلامی، روش و تطبیق آن، عبدالمحمد آیتی، امیر کبیر
۲۶. پورجعفر، محمد رضا (۱۳۸۳). زندگی معاصر و هنر مطلوب، مجموعه مقالات هنر و زندگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. پورجعفر، محمد رضا. (۱۳۷۹) بازآموزی نکاتی از معماری مساجد قدیمی - مورد مطالعه مسجد جامع دهلی. مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مساجد. انتشارات دانشگاه هنر
۲۸. پوستین دوز، محمد مهدی (۱۳۷۴). چگونگی معماری الهی، چاپ کیوان.
۲۹. پوپ، (۱۳۷۳). معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، انتشارات فرهنگان، چاپ دوم.
۳۰. جوادی آملی عبدالله (۱۳۸۱) رَحِیق مَحْتوم، قم، انتشارات اسراء
۳۱. جوادی آملی عبدالله (۱۳۸۲) سرچشمه اندیشه، قم، انتشارات

۵۰. شریعتی، علی. (۱۳۸۵). هنر. انتشارات چاپخش. چاپ دهم
۵۱. شیرازی، صدرالدین محمد (۱۹۸۱م). الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، داراحیاء، بیروت
۵۲. شیرازی، صدرالدین محمد، (۱۳۷۸). المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه، تصحیح: سید محمد خامنه‌ای، حکمت اسلامی صدرا، چاپ اول
۵۳. شیرازی، صدرالدین (بی تا). اسرار الآیات، تهران، انجمن حکمت و فلسفه.
۵۴. عابدی شاهرودی، علی (۱۳۶۴). اصالت فلسفه اسلامی، کیهان اندیشه، سال اول، شماره اول
۵۵. عبودیت، عبد الرسول (۱۳۸۲). آیا فلسفه اسلامی داریم؟ فصلنامه معرفت فلسفی، سال اول، شماره اول
۵۶. عرفان، محمد هادی. (۱۳۷۹) تیوری لایه‌های شناور در معماری مساجد ایرانی. مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مساجد. انتشارات: دانشگاه هنر
۵۷. عزام، خالد (۱۳۸۰). معنی رمزی صورت در معماری اسلامی، راز و رمز دینی، مقالات ارائه شده در اولین کنفرانس بین المللی هنر دینی انتشارات سروش، چاپ دوم.
۵۸. علی آبادی، محمدعلی. (۱۳۷۸). جلوه‌های جمال در مسجد. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، گذشته، حال، آینده. انتشارات: دانشگاه هنر اصفهان
۵۹. غفاری، حسین (۱۳۸۳). چیستی فلسفه اسلامی، مخطوط.
۶۰. فناری، محمد، (بی تا) مصباح الانس فی شرح مفتاح غیب الجمع والوجود لصدر الدین القونوی، چاپ سنگی قدیم، بی جا، بی نا
۶۱. قرآن کریم
۶۲. کیسلر، نورمن. (۱۳۷۵). فلسفه دین. مترجم: حمید رضا آیت الهی. تهران. انتشارات حکمت. جلد اول.
۶۳. کاظمی، زهره. (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر حکمت اسلامی. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۴ و ۵
۶۴. محدثی، جواد (۱۳۶۵). هنر در قلمرو مکتب، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۶۵. محمدرضایی، محمد (۱۳۸۵). چیستی فلسفه دین و مسائل آن، نشریه علمی پژوهشی قیاسات، سال یازدهم، شماره ۳۹
۶۶. مددپور، محمد (۱۳۷۱). حکمت معنوی و ساحت هنر، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۶۷. مصطفوی، سیدحسن (۱۳۷۴). شرح حدیث الحقیقه، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، سال اول، شماره ۲
۶۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). اصول فلسفه و روش رئالیسم، انتشارات صدرا، تهران
۶۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). مقالات فلسفی، انتشارات حکمت، تهران، ج ۳.
۳۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). چیستی فلسفه اسلامی، نشریه علمی-پژوهشی قیاسات، سال دهم، شماره ۳۵
۳۳. حاج قاسمی، کامییز (۱۳۶۲). روایتی از معماری مسلمین، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه هنرهای اسلامی، چاپ اول
۳۴. حجت، عیسی. (۱۳۸۴). هویت انسان ساز و انسان هویت پرداز (تأملی در رابطه ی هویت و معماری). نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۴،
۳۵. حسینی نجومی، سید مرتضی. (۱۳۶۲). هنر نمایانگر اضطراب با آرامش هنرمند، فصل نامه هنر، شماره ۴
۳۶. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۵). لغت‌نامه دهخدا، چاپخانه دانشگاه تهران
۳۷. خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۸۰). هنر اسلامی، راز و رمز دینی، مقالات اولین کنفرانس بین المللی هنر دینی، انتشارات سروش، چاپ دوم.
۳۸. خسرویناه، عبدالحسین (۱۳۸۵). فلسفه فلسفه اسلامی، نشریه علمی-پژوهشی قیاسات، سال یازدهم، شماره ۳۹
۳۹. خسرویناه، عبدالحسین (۱۳۸۴). هویت فلسفه اسلامی، نشریه علمی-پژوهشی قیاسات، سال دهم، شماره ۳۵
۴۰. دیویز، جی جی (۱۳۷۴). معماری در دائره المعارف دین، ترجمه: مجید مجیدی، فصلنامه آبادی، شماره نوزدهم
۴۱. ذولفقارزاده، حسن. (۱۳۷۹). روح وحدت. مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مساجد. انتشارات: دانشگاه هنر
۴۲. رحیمیان، سعید (۱۳۷۶). تجلی و ظهور در عرفان نظری، انتشارات بوستان کتاب، چاپ اول
۴۳. رهبرینا، زهرا و زهرا رهنورد (۱۳۸۵). مواجهه هنر قدسی با تکنولوژی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶
۴۴. رهنورد، زهرا. (۱۳۷۸). حکمت هنر اسلامی، انتشارات سمت.
۴۵. رید، هربرت. (۱۳۷۱). معنی هنر، ترجمه: نجف دریا بندری، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ چهارم
۴۶. زنوزی، ملا عبدالله (۱۳۵۴). انوار جلیه. با مقدمه و تصحیح سید جلال آشتیانی، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تربیت مدرس.
۴۷. سبزواری، ملا هادی (بی تا) شرح دعای صباح، چاپ سنگی، بی جا، بی نا
۴۸. ستاری، جلال (۱۳۸۱). اسطوره و رمز در اندیشه میرچا الیاده، نشر مرکز، تهران
۴۹. سلیمانی محمد جواد. (۱۳۷۹). معماری مسجد. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، گذشته، حال، آینده. انتشارات دانشگاه هنر اصفهان.

۷۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). کلام-عرفان-حکمت عملی. جلد دوم. انتشارات: صدرا
۷۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). انسان در قرآن. انتشارات: صدرا.
۷۲. مظلومی، رجیعی (۱۳۷۱). حاشیه بر هنر چیست؟، نشر آفاق، چاپ اول.
۷۳. ندیمی، هادی (۱۳۷۸). حقیقت نقش، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، سازمان میراث فرهنگی کشور.
۷۴. نراقی، ملا محمد مهدی (۱۳۵۷). قره العیون. با مقدمه و تصحیح سید جلال آشتیانی، انتشارات انجمن فلسفه ایران
۷۵. نصر، حسین، (۱۳۶۶). علم در اسلام. انتشارات: سروش.
۷۶. نصر، سید حسین. (۱۳۵۷). هنر و معنویت اسلامی. مترجم: رحیم قاسمیان. تهران. دفتر مطالعات دینی هنر. چاپ اول.
۷۷. نصر، سید حسین، (۱۳۸۰). معرفت و امر قدسی. مترجم: فرزاد حاجی میرزایی. تهران. انتشارات: فرزاد
۷۸. نصر، سید حسین، (۱۳۸۱). معرفت و معنویت. مترجم: انشا... رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ دوم.
۷۹. نقره کار، عبدالحمید. (۱۳۷۸)، معماری مسجد از مفهوم تا کالبد. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد، گذشته، حال، آینده. انتشارات: دانشگاه هنر اصفهان. صص ۲۳۹ - ۲۲۱
۸۰. هاشم‌نژاد، حسین (۱۳۸۵). درآمدی بر فلسفه هنر از دیدگاه فیلسوفان بزرگ اسلامی، نشریه علمی-پژوهشی قبسات، سال یازدهم، شماره ۳۹

پانویست (Endnotes)

- ۱ در بسیاری از آیات قرآن کریم بر خدا محوری یا تجلی خداوند سبحان در تمامی ممکنات تأکید شده است از آن جمله می‌توان به این آیات اشاره کرد: الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی (طه-۸)، ذلکم الله ربکم لا اله الا هو خالق کل شیء (انعام-۱۰۲)، الذی احسن کل شیء خلقه (سجده-۷)، وعنت الوجوه للحی القیوم (طه-۱۱۱)، کل له قانتون (بقره-۱۱۶)، وقضی ربک الا تعبدوا الا اياه (اسری-۲۳)، اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید (فصلت-۵۳)، الا انه بکل شیء محیط (فصلت-۵۴)، وان الی ربک المنتهی (نجم-۴۲)، فاینما تولو فثم وجه الله (بقره-۱۱۵)، وان من شیء الا عندنا خزائنه (حجر-۲۱)، هو الرحمن الرحیم (حشر-۲۲)، و یتقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام (رحمن-۲۷)، کل شیء هالک الا وجهه له الحکم والیه ترجعون (قصص-۸۸)، الله نور السموات والارض (نور-۳۵)، در واقع براساس تعالیم قرآنی مسلمان در می‌یابد

- که همه چیز موجود در هستی تجلیاتی از ذات بی‌همتای خداوند سبحان است و اوست که «هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیء علیم» و «بیده ملکوت کلی شیء»
- ۲ صدر المتألهین در اسفار در تعریف ذات و فعل و اثر حق تعالی چنین آورده: الوجود الحق هو الله تعالی و الوجود المطلق فعله و الوجود المقید اثره: وجود حق تعالی (وجود لا بشرط مقسمی که به غیب هویت موسوم است) ذات اوست و وجود مطلق (وجود لا بشرط قسمی که مقید به اطلاق است) فعل او و وجود مقید (وجود بشرط شیء) اثر اوست. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: اسفار، ج ۲، ص ۳۳۰.
- ۳ تجلی در لغت به معنای وضوح و انکشاف و آشکار شدن و از نهانی و کمون به در آمدن می‌باشد و مقابل آن خفاست؛ و ظهور نیز به همان معانی آمده است و در مقابلش بطون است. این دو لغت با کشف، قرابت معنایی فراوانی دارند، لکن تفاوتی نیز ما بین آنها ذکر شده، چراکه کشف، بیشتر ناظر به مانع می‌باشد؛ یعنی، کنار زدن پرده و حاجبی و یا رهایی یافتن از مانعی، اما جلا و تجلی، مربوط به خود متجلی می‌باشد نه مانع و در آیات قرآنی نیز این معنا اشراک شده، از جمله در آیه شریفه: «و النهار اذا جلیها» (سوره مبارکه شمس، آیه ۹۱)، «و النهار اذا تجلی» (سوره مبارکه لیل، آیه ۹۹) که در این دو مورد می‌توان گفت: مانع و پوشاننده روز، همان شب بوده و «اذا انکشف اللیل تجلی النهار؛ هنگامی که لیل برطرف شود نهار جلوه گر می‌شود». انکشاف به مانع نسبت داده شده و تجلی به ممنوع عنه و شیء متجلی. (رحیمیان، ۱۳۷۶)
- ۴ در واقع نه تنها همه ذات‌ها بلکه همه کارها به مشیت و اراده خداوند است و به نحوی خواسته ذات مقدس اوست. (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۳۰) خداوند در قرآن در این زمینه می‌فرماید: اول همه اشیا اوست و آخر همه اوست (از او آغاز یافته‌اند و به او پایان می‌یابند)، ظاهر و هویدا اوست و در همه حال باطن و ناپیدا هم اوست. (سوره حدید، آیه ۳)
- ۵ در واقع معماری قدسی بر آن است تا وسیله‌ای جهت تحقق آیه ۱۱۵ سوره مبارکه بقره باشد که می‌فرماید: پس به هر طرف رو کنید، به سوی خدا رو آورده اید.
- ۶ سوره مبارکه حشر، آیه ۲۴
- ۷ اشاره به آیه ۳۵ سوره مبارکه نور که می‌فرماید: خداوند نور آسمان و زمین است
- ۸ سوره مبارکه جن، آیه ۱۸